

امکان فهم قرآن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

امیر علی حسنلو*

ذکر اله محمدی**

چکیده

شکی نیست که فهم هر متن و نوشته‌ای نیازمند پیش شرط‌های علمی همچون دانستن زبان و فرهنگ و زمانه صدور و تولید متن است؛ بدون در نظر گرفتن شرایط خاص، فهم متن ناممکن است؛ فهم متون مقدس و کتاب‌های آسمانی از جمله قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنی نیستند. مقاله پیش‌رو درصدد بررسی شبهه‌ای است که نگاه امام خمینی به فهم قرآن را بر خلاف شیعیان اصیل و متقدم زمان ائمه علیهم السلام دانسته و شبهه‌گر برای اثبات ادعای خود معتقد است که شیعیان کنونی بویژه مراجع و بنیان‌گذار نظام مقدس اسلامی در عقاید و باورهای شیعه بدعت نموده و بر این باور است که شیعه کنونی ساخته افکار و سیاست بازی آنها می‌باشد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی نسبت به گزاره‌های روایی در آثار امام خمینی علیه السلام، درصدد رد ادعای شبهه‌گر است، این تحقیق اثبات می‌کند که عقاید شیعه اولیه با شیعه کنونی با توجه به رویکرد کلی شیعه در تفسیر قرآن به خود قرآن و اصولی که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن ارائه نموده‌اند تفاوتی نمی‌کند؛ شرایط تفسیر قرآن و کسی که بتواند قرآن را تفسیر کند بعنوان اصل و اساس است که در بین مفسران شیعه هرگز در طول تاریخ قابل تغییر نبوده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، فهم قرآن، شرایط فهم قرآن، قرآن و اهل بیت علیهم السلام، وسوسه‌های شیطان.

*. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی؛ hasanloo8746@gmail.com

** . فارغ التحصیل سطح سه حوزه (فوق لیسانس)، رشته فقه و اصول.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

مقدمه

آیا قرآن برای همگان قابل فهم است، یا فهم آن به امامان علیهم السلام یا گروه خاص اختصاص دارد؟ در صورت نخست، آیا برای آن حد و مرزی وجود دارد؟ یا حد و مرزی وجود ندارد، و همگان می‌توانند به فهم نهایی و جامع و کامل قرآن دست یابند؟ زمینه‌ها و بسترهای مناسب فهم و استفاده از قرآن کریم، و موانع آن و شیوه مطلوب در تفسیر کدام است؟ این‌ها پرسش‌هایی است که پاسخ آن، در این مقاله، از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه بررسی می‌شود؛ ولی پیش از ورود به بحث یادآور می‌شود که مقصود از فهم قرآن کریم، تنها درک معنای ظاهری آن نیست؛ بلکه مراد معنای عام و فراگیر و ژرفای آن است که علاوه بر درک معنای ظاهری، هرگونه برداشت و استفاده صحیح از قرآن را شامل می‌شود. چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است که قرآن ظاهری دارد و باطنی و فهم باطن قرآن کار هرکس نیست قرآن ظاهرش زیبا، و باطنش عمیق و ناپیداست، شگفتی‌هایش تمام نمی‌شود و غرائبش به پایان نمی‌رسد، و تاریکی‌ها جز با قرآن از فضای حیات زدوده نمی‌شود (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۶۴، خطبه ۱۸؛ حسنلو، قرآن و معصومان در آینه علوی، ۱۳۸۸، ص ۱۴). امام خمینی رحمته الله علیه فقهی است جامع در علوم عقلی و نقلی و در تفسیر قرآن و تبیین روایات اهل بیت علیهم السلام دارای آثار و روش خاص که بر اهل فضل پوشیده نیست، ایشان قبل از اینکه رهبری انقلاب بزرگ اسلامی ایران را رهبری کند یکی از علمای بزرگ حوزه و از شاگردان آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه و آیت‌الله بروجردی است (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۲۷).

در عصر حاضر شخصیت ممتازی چون امام خمینی اگرچه کمتر به‌عنوان مفسر-قرآنی مطرح است و بیشتر به‌عنوان رهبر سیاسی و اجتماعی شناخته شده است، اما در بسیاری از آثار برجامانده از ایشان آیات بسیاری از قرآن به‌گونه‌ای نگز تفسیر و تأویل شده است. متأسفانه آگاهی بسیاری از اهل دانش و مردم از آثار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در حد چند کتاب محدود از آن عالم ربّانی است، درحالی‌که ده‌ها اثر فقهی، عرفانی، تفسیری و... از ایشان وجود دارد که مرجع خوبی برای پاسخ بسیاری از نیازهای علمی به شمار می‌رود؛ چهارچوب‌ها و ایده‌های فکری و مبانی علمی ایشان برای همه قابل اقتباس و هنوز زوایایی از اندیشه‌ها و ابداعات علمی ایشان نمایان نشده است.





حضرت امام خمینی با وقوف کامل از تفسیر اجتهادی جامع، نظریات اشاری (تفسیر با رویکرد تأویلی مشتمل بر اشارات معنوی و عرفانی) و باطنی خود را به گونه‌ای روشمند در باب آیات قرآن به زیبایی بیان می‌دارد و به خوبی چگونگی ورود به وادی تفسیر قرآن و بهره‌مندی از معارف و اشارت‌های قرآنی را به علاقه‌مندان می‌آموزد، این فقیه وارسته برخلاف ادعای دیگران، فهم قرآن را برای همه اقشار و سطوح مخاطبان قرآن ممکن می‌داند و این گمان که فهم آیات، منحصر به گروهی خاص از افراد یا مفسران است را رهن فهم معارف قرآن می‌داند (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۱۵۵). قرآن بوستانی گسترده و درختی است پر ثمر که در دسترس همه انسانهاست و نباید به دور آن حصار کشید و اختصاصی نمود.

الف) شرایط فهم قرآن از منظر امام خمینی

فهم همه متون دینی و غیردینی مهارت و تخصص ویژه لازم دارد بویژه کتاب‌های آسمانی و منابع قدسی، فهم قرآن کریم و درک کامل مفهوم این کتاب مقدس آسمانی نیز نیازمند مقدمات و تخصص‌های ویژه است، دانستن زبان و قواعد زبانی و ادبیات و درک درست شرایط نزول وحی و زمان نزول و فرهنگ حاکم تنها بخشی از شروط فهم این کتاب آسمانی است، این شرایط مقدمه برای درک درست عمل نمودن به فرامین این کتاب مقدس هست. وجه مطلوب در تلاوت درست و خواندن قرآن کریم، فهمیدن، عمل نمودن، رشد و تکامل یافتن است؛ به عبارت دیگر، مطلوب در تلاوت قرآن شریف آن است که در قلب انسان تأثیر کند و باطن انسان صورت کلام الهی گردد و از مرتبه ملکه به مرتبه تحقق برسد؛ این مطلوب، بدون رعایت آداب و شرایط ظاهری و باطنی تلاوت قرآن، حاصل نمی‌گردد؛ از این رو، بزرگان علم و معرفت، از جمله امام خمینی، با الهام از آیات قرآن کریم و بیانات پیشوایان دین، برای بهره‌مندی هر چه بهتر و بیشتر از این مائده آسمانی، نکاتی را به طالبان فهم قرآن و جویندگان معارف این کتاب آسمانی، یادآور شده‌اند که عمده‌ترین آنها به اختصار چنین است:

۱. استمداد از خدا

یکی از شروط و مقدماتی که خداوند برای اُنس و تلاوت قرآن ذکر نموده است، استعاذه و پناه بردن به خداوند از وسوسه‌های شیطانی است؛ امام خمینی رحمته الله علیه با استناد به این آیه شریفه قرآن کریم، وسوسه‌های شیطان را خارهای طریق معرفت می‌شمارد و می‌فرماید بدون پناه بردن حقیقی به دژ محکم ألوهیت، از شر او ایمنی حاصل نشود؛ چراکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (نحل: ۹۸) هرگاه، خواستی قرآن بخوانی، از شیطان رانده شده، به خدا پناه بر» (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۲۱) چون امکان این نفوذ وجود دارد که بدون پناه گرفتن در حصن پرودگار، شیطان به وسوسه در دل نفوذ نموده و راه استفاده درست از قرآن و عمل به آن را بر تلاوت‌کننده و بنده مسدود یا از فهم درست منحرف می‌نماید. ازاین‌روی امام به این نکته مهم تذکر و توجه می‌دهد.

۲. پاکیزگی درون و بیرون

شریعت اسلام برای قبولی اعمال شریعی گذاشته است، از طهارت ظاهری تا وضو و غسل همه این پیش نیازها برای رسیدن به تطهیر و پاکیزگی باطن و تزکیه درونی است. امام رحمته الله علیه یکی از شروط فهم قرآن را پاکیزگی ظاهر و تزکیه باطن می‌داند و می‌فرماید تا قذارات و کثافات عالم طبیعت، در قلب هست، استفاده از قرآن شریف، میسر نشود و این معنا از این آیه استنباط می‌شود «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعیه: ۷۷) ؛ «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعیه: ۷۹) آن، قرآنی گرانمایه است که جز پاکان بر آن دست نیآورند (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۵۰۴).

۳. کسب اخلاص

اخلاص پیمانه و قالبی است که خداوند قرار داده است برای پذیرش اعمال انسان، اخلاص چهار چوب پذیرش اعمال انسان در درگاه الهی است؛ هیچ یک از اعمال تا به این قالب که خداوند مد نظر قرار داده است قرار نگیرد، پذیرفته نیست. امام خمینی رحمته الله علیه دراین‌باره فرموده است: این امر یعنی اخلاص تأثیر در قلوب، نقش بنیادی داشته و بدون آن هیچ عملی را جایگاهی نیست، بلکه ضایع، باطل و موجب سخط الهی است (همان، ص ۵۰۰).

۴. مداومت بر تلاوت قرآن

تلاوت قرآن یکی از شرایط و مقدمات انس با قرآن است و دارای آدابی خاص؛ یکی از آداب تلاوت قرآن علاوه بر تأمل و تأنی و توجه به معنا، رعایت شرط ظاهری خوانش قرآن است که خود قرآن از این خوانش به ترتیل خوانی یاد نموده است؛ قطعاً این نوع خوانش تأثیری در فهم قرآن و تأثیر آن در دل انسان خواهد داشت که قرآن به آن توجه داده است؛ قرائت ترتیل قرائتی است که در نفس آدمی تأثیر می‌گذارد، عبارت است از: حد وسط بین سرعت و تعجیل و تأنی و فتور مفرط (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۵۰۴). چنین قرائتی را ترتیل می‌خوانند؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا؛ و قرآن را به آرامی بخوان» (مزمّل: ۴).

۴. حفظ حرمت قرآن

امام راحل، تعظیم قرآن کریم را موجب نورانیت قلب و حیات باطن و از آداب مهم قرائت قرآن کریم می‌شمارد (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۸۱) تعظیم، یک امر صوری نیست؛ بلکه عملی است مبتنی بر شناخت و درک واقعی عظمت قرآن و فرستنده آن و پیامبری که قرآن بر او نازل گشته؛ در عظمت این کتاب آسمانی همین بس که خدای بزرگ درباره آن فرمود: «لَوْ أَنزَلْنَاهُ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؛ اگر این قرآن را بر کوهی فرود می‌آوردیم، آن را از ترس خدا هموار و متلاشی می‌یافتی» (حشر: ۲۱).

۵. تدبیر در قرآن

قرآن خود مردم را به تدبیر برای فهم خود دعوت می‌کند (نساء: ۸۲) از این روی اندیشیدن در معانی آیات شریفه و تفکر در چگونگی بیرون آمدن از مراتب ظلمات به عالم نور، در پرتو نور آیات، یکی دیگر از آداب و شرایط و بلکه از اعظم آدابی است که در شریعت مطهر به آن توصیه شده است (خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۷۲، ص ۵۰). تفکر و اندیشیدن از اهداف فرو فرستادن قرآن به شمار رفته است (نحل: ۴۴؛ ص: ۲۹)؛ امام علی (علیه السلام) نیز قرائت بدون تدبیر را بی‌فایده و فاقد خیر و خوبی می‌داند (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲؛ فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۷).

از نظر امام (علیه السلام) با تدبیر، طُرُق استفاده از قرآن هموار می‌شود و ابوابی جدید برای انسان



مفتوح می‌گردد و معارفی نو از قرآن استفاده می‌کند (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۰۵). بنابراین تدبر و تفکر عمیق یکی از شروط راه‌یابی به فهم قرآن است.

۶. عرضه یا تطبیق

قرآن کتاب انسان‌ساز است و هر کس خود را در مقابل شعاع نور آن قرار دهد، نجات خواهد یافت و از بیماری‌های روحی و تن نجات خواهد یافت؛ لذا اگر شخص، مفاد هر یک از آیات را با حال خود تطبیق کند و بدین وسیله، کاستی‌های خود را برطرف و امراض و بیماری‌های خود را درمان نماید (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۰۶).

نکته جالب توجه در این زمینه این است که از دیدگاه امام، همان‌گونه که میزان در تشخیص صحت و عدم صحت روایات و اعتبار یا عدم اعتبار اخبار، عرضه آنها بر کتاب خداست و آنچه مخالف کتاب خدا باشد، باطل است (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۷۸) میزان در تشخیص سعادت و شقاوت آدمی نیز عرضه اعتقادات، خلیقات و اعمال بر کلام خدا، قرآن است؛ هر آنچه موافق کتاب خدا باشد، مطلوب و موجب سعادت و آنچه مخالف آن باشد، باطل و مایه شقاوت است و باید کنار گذاشته شود (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۰۸).

۷. اهل‌بیت علیهم‌السلام مفسر حقیقی قرآن

بی‌گمان اولین کسی که قرآن را تبیین کرده است، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، اما در رتبه پس از حضرت، فهم قرآن اختصاص به اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد؛ از جمله دلایل قرآنی که فهم قرآن را برای عموم غیرممکن می‌شمارد، این آیات هستند: «إِنَّهُ لَفَرَّقَ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ راستی که این کتاب ارجمندی است که در نوشتاری پنهان قرار دارد و جز پاک‌شدگان بدان دسترسی ندارند (واقعه: ۷۹). و مقصود از «مطهرون»، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام و مقصود از «مس»، پی بردن به مفاد و مراد آیات است. بدین‌سان، مفاد آیه آن است که جز معصومان کسی به معانی و معارف قرآن دست نمی‌یابد. و این معنا دقیقاً از آیه تطهیر فهمیده می‌شود که منظور قرآن این است که اهل‌بیت علیهم‌السلام عترت و طهارت شایسته فهم قرآن هستند «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) امام خمینی رحمته‌الله در این باره تصریح می‌کند که فهم قرآن

نیازمند تطهیر باطنی و ظاهری است (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۵۰)، بی‌تردید ائمه علیهم‌السلام در رتبه اول این مقام قرار دارند.

ب) موانع فهم قرآن

از دیدگاه امام خمینی و دیگر بزرگان صاحب بصیرت، برای فهم و استفاده از قرآن کریم، موانعی وجود دارد که طالب فهم قرآن و جویندگان معارف قرآنی، باید این موانع را از میان بردارند؛ امام از این موانع به حجاب‌های بین مستفید و قرآن تعبیر می‌کند (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷-۱۹۵؛ همان فیض، ج ۲، ص ۲۴۱؛ نراقی، جامع السعادات، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۳۷۴)؛ اینک به برخی از آن موانع و حجاب‌ها اشاره می‌شود:

۱. غرور علمی

از موانع و حجاب‌های بزرگ فهم قرآن، خودبینی است که موجب می‌گردد، آدمی خود را از راهنمایی‌های قرآن بی‌نیاز بداند؛ از نظر امام، احساس بی‌نیازی از بهره‌گیری از این خوان نعمت الهی، از این طریق به وجود می‌آید که شیطان کمالات موهوم را برای انسان جلوه دهد و او را به آنها راضی و قانع سازد و کمالات و مقامات واقعی را از چشم او ساقط کند؛ مثلاً اهل تجوید را به دانش تجوید دلخوش کند و علوم دیگر را در دید آنان ناچیز جلوه دهد (فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۱)؛ اصحاب ادب را به همان پوسته بی‌مغز راضی کند و تمام شؤون قرآن را در همان چیزی که آنان می‌دانند، نمایش دهد؛ مفسران را به وجوه قرائات و آراء مختلف ارباب لغت و وقت نزول و شأن نزول و مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال آن سرگرم کند و اصولاً بحث و جدال در اطراف مفاهیم کلی و غور در جزئیات، از موانع بزرگ سیر به سوی خداست که پیاده را از راه باز دارد و باید از میان برداشته شود (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۸). امام علیه‌السلام در این زمینه یادآور می‌شود که ممکن است «حجاب غلیظ اصطلاحات» حتی دامن فیلسوفان و حکیمان و عارفان را گرفته و آنان را در حصار خود محبوس نماید (همان، ص ۶۲).

۲. گناه و معصیت

از مسلمات است که گناه و معصیت مانع و حجابی است که انسان را در درک حقایق عالم و حقایق قرآن باز می‌دارد؛ آثار گناه و معصیت بویژه گناهان کبیره در زندگی انسان نیز

نمود دارد، چه رسد به فهم معانی قرآن براین اساس است که امام علیه السلام، یکی دیگر از حجاب‌ها که مانع فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواعظ این کتاب آسمانی می‌گردد، معاصی و کدورات و تاریکی‌هایی است که از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت قدس پروردگار عالمیان پدید می‌آید (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۰۱).

ناگفته نماند که این دیدگاه امام علیه السلام برخاسته از آیات و احادیث و موافق برهان عقلی و فلسفی است و در کلام عرفا و فلاسفه نیز آمده؛ قرآن کریم، شرط فهم و بهره‌مندی از خود را به صراحت، انابه و بازگشت به سوی خدا اعلام فرموده (ق: ۸؛ مؤمن: ۱۳)؛ روشن است که گناه و عصیان، دقیقاً نقطه مقابل انابه و بازگشت و قلب منیب نیز قطب مخالف قلب مُذنب و مُسیء است.

گناه و معصیت در روایات

در احادیث و کلمات اهل بیت علیهم السلام، نیز از گناه و معصیت، به‌عنوان «نکته سودا» یا نقطه تاریک در جان و روح او یاد و ترک برخی از واجبات، موجب محروم شدن از برکت وحی اعلام شده است (فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۲)؛ از نظر روایات، قلب‌ها آنگاه جایگاه حکمت خواهد بود که خواهش‌های نفسانی، آن را تیره نساخته باشد (صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیه، ۱۳۴۶، ص ۳۲۹).

معصیت در نگاه فلاسفه

فلاسفه و عرفا نیز در فلسفه و عرفان مطرح کرده‌اند: هر عمل صالح یا سیئی همان‌گونه که در عالم ملکوت صورتی مناسب با خود دارد، در ملکوت نفس نیز اینگونه است؛ یعنی یا صورتی دارد که موجب نورانیت باطن می‌شود و قلب به واسطه آن، مطهر و منور و شایسته تجلیات غیبی و ظهور حقایق و معارف الهی می‌گردد و یا صورتی ظلمانی و پلید و چون آینه زنگار زده دارد؛ به‌طوری که معارف الهی و حقایق غیبی در آن منعکس نمی‌شود (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۰؛ فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۲).

فیض کاشانی می‌گوید: «خواهش‌های نفسانی، بزرگترین حجاب دل است و بسیاری در این حجاب بسر می‌برند؛ هر قدر خواهش‌های نفسانی انباشته‌تر باشد، «معانی کلام خدا نیز بیشتر در حجاب است» (فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۲).

از بزرگترین گناهان قلبی که پرده‌ای ضخیم بین انسان و فهم درست معارف و حقایق می‌افکند، حب دنیا است که به تعبیر روایت ریشه هر خطاست (کلینی، الکافی، ۱۳۸۰ ق، ج ۳، ص ۳۳۹).

امام می‌فرماید: «کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند و از مواظ الهیه بهره بردارد، باید قلب را از این ارجاس (حب دنیا و حب جاه) تطهیر کند و لوث معاصی قلبیه را که اشتغال به غیر است، از دل بزداید؛ زیرا که غیر مطهر محرم این اسرار نیست؛ قال تعالی: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ، فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ آن قرآنی گرانمایه است، در نوشته‌ای پنهان شده، بر آن، جز پاکان دست نیندند» (واقعته: ۷۷-۷۹).

«چنانکه از ظاهر این کتاب و مس آن در عالم ظاهر، غیر مطهر ظاهری، ممنوع است، تشریعاً و تکلیفاً، از معارف و مواظ آن و سر آن ممنوع است کسی که قلبش ملوث به ارجاس تعلقات دنیویه است» (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۰۲).

۳. جمود بر اقوال مفسران

چنانچه طالب فهم قرآن تصور کند، جز آنچه را که مفسران نوشته یا فهمیده‌اند، دیگری را حق استفاده از قرآن و درک بیشتر و برتر آن نیست، دچار خطایی بزرگ شده است و بی‌گمان این پندار غلط، سدی را میان او و فهم قرآن ایجاد خواهد نمود.

مفسر نیز در صورتی می‌تواند در اقیانوس ژرف و بیکران کلام الهی غواصی کند و از آن گوهرهای ناب به چنگ آورد که از جمود بر گفته‌های مفسران و منحصر ساختن فهم قرآن به بزرگان و پیشینیان بهره‌یزد و درک و برداشت بیشتر و برتر را - البته با رعایت موازین - برای خود و هر مفسر و جوینده دیگر ممکن بداند.

جمود و بسنده نمودن به افکار و آراء پیشینیان در زمینه فهم و تفسیر قرآن کریم، به هر دلیلی که صورت گیرد، خواه به دلیل برداشت نادرست از مفهوم تفسیر به رأی، یا به خاطر ضعف نفس و نداشتن شهامت و حریت علمی و یا به هر دلیل دیگر، علاوه بر آنکه انحطاط آور و عقلا مردود است، برخلاف آموزه‌های دینی نیز تلقی می‌شود.

قرآن مجید، همگان را به تدبر و تفکر در آیاتش فرا خوانده (محمد: ۲۴؛ نساء: ۸۴) و پیشوایان دین، این کتاب آسمانی را گنجینه‌ها و سرچشمه‌های دانش دانسته (کلینی، الکافی،

۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۰۹) و صاحبان نظر و بصیرت را به گشودن دیدگان و به جولان درآوردن اندیشه در معانی آیات قرآن سفارش فرموده‌اند (کلینی، الکافی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۰۰).

۴. تعصب به رأی فاسد

آراء و مذاهب باطل که افراد به هر دلیلی، از روی سوء اندیشه یا تقلید کورکورانه و یا علل دیگر برمی‌گزینند و بدان گرایش می‌یابند، از اموری است که آنان را از معارف قرآن محجوب می‌سازد.

امام می‌فرماید: «اگر اعتقاد فاسدی به مجرد استماع از پدر و مادر یا بعضی از جهله از اهل منبر، در دل ما راسخ شده باشد، این عقیده حاجب شود، مابین ما و آیات شریفه الهیه، و اگر هزاران آیه و روایت وارد شود که مخالف آن باشد، یا از ظاهرش مصروف کنیم و یا به آن، به نظر فهم نظر نکنیم» (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷-۱۹۶).

بنابراین، بر جویندگان حقایق قرآن لازم است که از اعتقادات و گرایش‌های موروثی تعصب‌آلود که مبتنی بر منطق و عقل نیست، بپرهیزند و با فکری پیراسته از این‌گونه تعلقات به فهم قرآن رو آورند.

مبانی تفسیری امام

تفسیر قرآن کریم بر اساس مبانی و اصولی صورت می‌پذیرد که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها از دیدگاه امام خمینی پرداخته می‌شود:

الف) فهم کامل قرآن

از نظر امام علیه السلام، علم به باطن و حقایق ژرفای قرآن کریم، جز برای پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از او وارثان علم وی؛ یعنی ائمه اهل البیت علیهم السلام امکان ندارد؛ این بینش آن بزرگوار، گذشته از آنکه مبنای روایی دارد (کلینی، الکافی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۲۸)، با تأملات عقلی و تجارب عرفانی نیز قابل تأیید است؛ با این توضیح که حقایق و علوم نهفته در کلام الهی نامحدود است: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا..»؛ بگو اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگارم، مرکب شود، دریا پایان بگیرد، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد، اگرچه همانند آن را به کمک بیاوریم» (کهف: ۱۰۹).

توضیح اینکه بشر محدود را توان آن نیست که بر خدای نامحدود احاطه یابد؛ مگر آنکه از محدودیت خارج شود و خود نیز نامحدود گردد.

در نگاه امام علیه السلام، مصداق این انسان نامحدود، پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام است که در اثر اتصال به کمال مطلق و فناء در مبدأ نامحدود، در همه صفات نامحدود گردیده‌اند؛ لذا می‌توانند به علوم و حقایق قرآن به‌طور کامل احاطه یابند و از کتاب الهی آن‌گونه که باید و شاید بهره گیرند؛ ولی بهره دیگران از قرآن برحسب مراتب وجود و کمال محدود آنان، محدود است.

امام در فرازی از بیانات خود می‌فرماید: «این حقیقت (قرآن کریم) برای احدی حاصل نشود، به علوم رسمیه و نه به معارف قلبیه و نه به مکاشفه غیبیه، مگر به مکاشفه تامه الهیه برای ذات مبارک نبی ختمی صلی الله علیه و آله در محفل انس «قاب قوسین»، بلکه در خلوتگاه سر مقام «او آدنی» و دست آمال عاقله بشریت از آن کوتاه است، مگر خلص از اولیاء الله که به حسب انوار معنویه و حقایق الهیه، با روحانیت آن ذات مقدس، مشترک و به واسطه تبعیت تامه فانی در آن حضرت شدند که علوم مکاشفه را بالوراثه از آن حضرت تلقی کنند...» (خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸).

در جای دیگر می‌گوید: «آن استفاده‌ای که باید (از قرآن نمی‌شود)؛ آن استفاده را به حسب «مَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ إِلَّا مَنْ حُوِّطَ بِهِ»، قرآن را تنها مخاطبانش می‌فهمند؛ خود رسول الله می‌برد» (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۸۱).

ب) فیض همگانی و عمومی قرآن

دومین اصلی که از بیانات امام علیه السلام، برداشت می‌شود، این است که استفاده از قرآن کریم، برای همگان به فراخور حال خویش ممکن است و اینگونه نیست که قرآن مردم را از سفره کرم خود منع کرده باشد قرآن فیض مطلق و عام است اگرچه فهم درک تمام ابعاد آن نیازمند شروط خاص است که بیان شد اما به‌نحوی نیست که دیگران از فیوضات آن مطلقاً بی‌بهره باشند، بلکه همه به سهم خود می‌توانند با درک و تحصیل شرایط از معنویت آن بهره‌مند شوند و لو شنونده‌ای که به آن گوش دهد. لذا فرموده است وقتی قرآن خوانده می‌شود برای شنیدنش سکوت کنید تا رحمتی شامل حالتان شود «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»، (اعراف: ۲۰۶).

چنانکه در سخن حضرت علی علیه السلام هست «عن أمير المؤمنين عليه السلام في حديث ثم قال: «ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ لِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ رَأْفَتِهِ بِخَلْقِهِ وَ عِلْمِهِ بِمَا يَحْدِثُهُ الْمُبْدِلُونَ مِنْ تَغْيِيرِ كِتَابِهِ قَسَمَ كَلَامَهُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ فَجَعَلَ قِسْمًا مِنْهُ يَعْرِفُهُ الْعَالِمُ وَ الْجَاهِلُ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مَنْ صَفَا ذَهْنُهُ وَ لَطَفَ حِسُّهُ وَ صَحَّ تَمَيُّزُهُ مِمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ أَمَّاؤُهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»؛ کلام خداوند دارای چند لایه هست و چند قسم که قسمی قابل فهم برای همه و قسمی مختص عالمان و انبیاء (موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۱؛ طبرسی، الإحتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۷۶).

امام، همچون برخی از اخباریون نمی‌اندیشد که باب فهم قرآن را به روی غیرمعصوم ببندد و فکر و عقل و اندیشه بشری را در این زمینه بی‌اعتبار بشمارد؛ در اندیشه آن بزرگوار، اساساً انگیزه نزول این کتاب مقدس و بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، آن است که این کتاب در دسترس همگان قرار گیرد و همه به اندازه گنجایش فکر خود از آن استفاده کنند (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۲۵۲).

شایان ذکر است که عالمان از فقیهان و محدثان گرفته تا فیلسوفان و عارفان، گاه از آیات قرآن به فراخور فکر و دانش خود، برداشت‌های مختلف و حتی گاه متباین دارند. نکته جالب توجه اینکه امام علیه السلام، هر یک از آن برداشت‌ها را در جای خود درست و قابل قبول می‌داند (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۸۵) و از صحنه‌گذاری مفسران بر مشرب تفسیری خود و تخطئه مشرب‌های دیگران انتقاد می‌کند. به نظر می‌رسد، راز آن این باشد که فهم قرآن، دارای مراتب طولی است و هر عالمی ممکن است، تنها به مرتبه‌ای از آن دست یافته باشد.

ج) جمع بین ظاهر و باطن

یکی از دیگر اصول تفسیر در اندیشه امام آن است که درک و فهم قرآن کریم، مراتب و مراحل دارد که از ظاهر شروع می‌شود و تا آخرین مرتبه باطن آن پیش می‌رود. از نظر آن جناب، تصور اینکه این کتاب آسمانی، همین قشر و صورت است، ظاهرگرایانه و ابلیسانه است و ماندن در حد صورت و توقف در مرحله ظاهر و حرکت نکردن به سوی لب و باطن، ریشه تمام جهالت‌ها و پایه انکار نبوت‌ها و ولایت‌ها است (امام خمینی، شرح دعای سحر، ۱۳۷۴، ص ۵۹).

شایان ذکر است که ابلیس، نخستین کسی بود که تنها ظاهر و صورت (طین) را دید و در ورای آن، مقام روحانی و نورانی و خلیفه‌اللهی آدم (ع) را ندید؛ ازاین‌روی، در مقام اعتراض به پروردگار برآمد و گفت: «من از او بهترم؛ من را از آتش و او را از گل آفریدی»؛ (ص: ۶۷) و نیز مردمانی که نبوت را انکار کردند و از پذیرش انبیاء الهی سر بر تافتند، تنها به ظاهر نگریستند و نتوانستند یا نخواستند، ژرف‌نگر باشند و ارتباط ویژه باطنی و معنوی پیامبران با مبدأ هستی را بپذیرند و لذا اظهار می‌داشتند: «این چه پیامبری است که همچون دیگران غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود»؛ (فرقان: ۷) و یا خطاب به پیامبر (ص) می‌گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید، و خدای رحمان هیچ چیزی نازل نکرده است» (یس: ۱۵). به هر حال، از قشری‌گری و ماندن در ظاهر و عدم گذر به باطن و عمق، مذاهب و مکاتب چندی چون اخباری‌گری، ظاهریه، اشاعره، مجسمه و سلفیه سر بر آوردند.

شایان گفتنی است که گذر از ظاهر به باطن و عبور از پوست به مغز، همان علم به تأویل است که به نظر امام، علم به تمام مراتب آن مخصوص پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) است؛ لکن علم به مراتب و مراحل از آن، برای غیرمعصوم نیز ممکن است؛ البته امام راحل، شرط حصول این علم و نائل شدن به مراتبی از آن را مجاهدت علمی، تمرین‌های عقلی، همراه با ریاضت‌های عملی و تطهیر نفس و تنزیه قلب و تقدیس روح می‌داند (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۶۱) و معتقد است هر قدر انسان از پاکی و وارستگی بیشتری برخوردار باشد، بهره‌اش از حقایق قرآن، بیشتر و تجلی قرآن بر او فزون‌تر است (خمینی، شرح دعای سحر، ۱۳۷۴، ص ۵۹).

نگاه امام در جمع ظاهر و باطن

آنچه امام (ع) فرموده و جویندگان حقایق قرآنی را به آن فرا خوانده (همان، ص ۶۱)، با تأویل‌ها و برداشت‌های بی‌ضابطه‌ای که توسط متصوفه و باطنیه از آیات قرآن کریم صورت می‌گیرد، تفاوت اساسی دارد؛ آنان اصولاً ظواهر آیات را نادیده می‌گیرند و کنار می‌نهند و ذوقیات، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ویژه خود را به نام «علم به باطن قرآن» عرضه می‌کنند؛ همان چیزی که تفسیر به رأی خوانده می‌شود و در روایات فریقین شدیداً از آن نکوهش و منع شده است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۲، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ حکیمی، الحیاء، ۱۳۸۵،

ج ۲، ص ۱۳؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۳۹؛ عیاشی، التفسیر، ۱۳۸۰-۱۳۸۱، ج ۱ ص ۱۷؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۷)

امام در فهم قرآن، باطن منهای ظاهر را قبول ندارند؛ همان‌گونه که ظاهر بدون باطن را نمی‌پسندند؛ ایشان به صراحت اعلام می‌دارد: همان‌گونه که ظاهر بدون باطن، همانند جسد بدون روح و دنیای بدون آخرت است، رسیدن به فهم باطنی آیات نیز جز از طریق ظاهر و با حفظ آن میسر نمی‌گردد و هر کس بدون توجه به ظاهر آیات، راه باطن را در پیش گیرد، هم خود گمراه شده است و هم دیگران را به گمراهی و بیراهه کشانده است (خمینی، شرح دعای سحر، ۱۳۷۴، ص ۶۲ - ۶۱؛ خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۹۱).

(د) شیوه صحیح تفسیر

از دیدگاه امام علیه السلام، تفسیر قرآن کریم، کار آسانی نیست که از عهده هرکس برآید (خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۸۱، ص ۹۳) و این صحیفه الهی برتر از آن است که مفسران بتوانند آن را چنانکه باید تفسیر کنند. مفسران طراز اول جهان اسلام اعم از خاصه و عامه که در طول تاریخ اسلام، تفاسیر فراوانی نوشته‌اند، تنها پرده‌ای از معانی قرآن کریم را به نمایش گذاشته‌اند و شَبَهِی از این کتاب آسمانی را نشان داده‌اند (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۹۵).

آن بزرگ مرد، ضمن ارج‌گزاری بر تلاش‌های مفسران و خوب توصیف نمودن برخی از آنها، به صراحت اعلام می‌دارد: «قرآن عبارت از آن نیست که آنها نوشته‌اند» و معتقد است «این تفسیرهایی که بر قرآن نوشته شده است از اول تا حالا، این‌ها تفسیر قرآن نیستند. این‌ها البته یک ترجمه‌هایی؛ یک بویی از قرآن بعضی‌شان دارند و الا تفسیر این نیست که این‌ها نوشته‌اند» (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۲۵۱ و ج ۱۹، ص ۲۷).

این نظریه امام، از یک سو مبتنی است بر عظمت قرآن که کلام خالق و اقیانوسی ژرف و ناپیدا کرانه و فراتر از افق فکر و درک بشری است (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲) و از سوی دیگر مبتنی است بر این مطلب که مفسران - با آنکه زحمتهای فراوانی را متحمل شده‌اند و مساعی آنان قابل تقدیر و تجلیل است - اغلب در تفسیر خود، به مقصد اصلی نزول، توجه شایسته و بایسته نکرده‌اند.

بسیاری از مفسران، به جنبه‌های ادبی یا بلاغی یا تاریخی و... پرداخته‌اند؛ گویا که تفسیر آنان، یک کتاب ادبی یا بلاغی یا تاریخی است؛ در واقع به جای پرداختن و توجه تام به هدف اصلی، بیشتر به اهداف فرعی توجه نموده‌اند؛ درحالی‌که از نظر امام علیه السلام، مقصد این کتاب آسمانی، نه بلاغت و فصاحت است و نه صرف و نحو و نه تاریخ و نه امثال این امور؛ شیوه مطلوب تفسیر، این نیست که همچون سکاکی و شیخ طوسی در لابلای آیه‌های قرآن به دنبال کشف و تبیین جنبه‌های فصاحت و بلاغت و محسنات لفظی و معنوی بود و یا همانند سیبویه و خلیل به تبیین تصاریف کلمات و دستور زبان آن همت گمارد و یا مانند مسعودی و ابن خلکان به شرح و بسط وقایع و بیان جزئیات حوادث تاریخی پرداخت.

امام، از مفسرانی که استفاده از قرآن را منحصر- به ضبط و جمع اختلاف قرائات و معانی لغات و تصاریف کلمات و محسنات لفظی و معنوی و وجوه اعجاز قرآن و معانی عرفی می‌دانند و از دعوات قرآن و جهات روحی و معارف الهی آن غافلند، به شدت انتقاد کرده است (همان، ص ۱۷۱ و ص ۱۸۲ و ص ۱۹۴؛ امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۱۱).

به‌علاوه، از یک‌سونگری در تفسیر قرآن گله و شکوه دارد و از تفسیرنگاران یک‌سونگر که قرآن کریم را تنها بر پایه تخصص ویژه و مشرب خاص خویش تفسیر نموده و به تخطئه مشرب‌های دیگران پرداخته‌اند، خرده می‌گیرد (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۳۵). در منظر امام خمینی، مفسر واقعی کسی است که «مقصد نزول» را بفهماند، نه سبب نزول را (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۹۳-۱۹۲).

هـ) اهداف و مقاصد قرآن

از آنجا که هر صاحب اثری مقصد خود را در اثر خود بهتر از دیگران می‌داند، خدای تعالی که صاحب این اثر؛ یعنی قرآن کریم است، هدف خود را از فرو فرستادن آن، بهتر از دیگران آگاه است.

امام معتقد است که باید هدف از تنزیل کتاب الهی را - قطع نظر از راه عقل و برهان - از خود قرآن دریافت (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۹۳).

با توجه به آیات شریفه، هدف از نزول قرآن کریم، هدایت و تربیت، شفای امراض قلبی انسان و سیر او به سوی خداست (همان، ص ۱۸۴).

امام علیه السلام، قرآن را درسنامه سلوک الی الله و یکتا کتاب تهذیب نفوس و بزرگترین وسیله ارتباط خالق و خلق و عروة الوثقی و حبل المتین تمسک به عز ربوبیت می‌شمارد (همان، ص ۱۹۴) و آن را کتابی می‌خواند که به شئون الهیه دعوت می‌کند؛ لذا شیوه مفسر- باید به گونه‌ای باشد که شئون الهیه را به مردم تعلیم دهد (همان).

قرآن کریم در نگاه امام علیه السلام، کتاب معرفت، اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است؛ از این رو، کتاب تفسیر نیز باید عرفانی، اخلاقی و بیان‌کننده دیگر جهات دعوت به سعادت باشد (همان، ص ۱۹۲).

از نظر امام خمینی علیه السلام، مفسری که به این شیوه، قرآن را تفسیر نکند، مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل را نادیده گرفته و مردم را از استفاده از قرآن محروم و راه هدایت را به روی آنان مسدود کرده است (همان، ص ۱۹۴).

آن بزرگوار، به مفسران قرآن چنین سفارش می‌کند: «علما و مفسرین، تفاسیر فارسی و عربی بنویسند و مقصود آنها بیان تعالیم و دستورات عرفانی و اخلاقی و بیان کیفیت ربط مخلوق به خالق و بیان هجرت از دارالغرور به دارالسرور و الخلود باشد؛ به طوری که در این کتاب شریف به ودیعت گذاشته شده ... ؛ چه خسارتی بالاتر از اینکه سی، چهل سال کتاب الهی را قرائت و به تفاسیر رجوع کنیم و از مقاصد آن بازمانیم» (همان، ص ۱۹۴-۱۹۵).

نتیجه‌گیری

آنچه امام خمینی درباره فهم قرآن و شرایط درک محتوا و مفاهیم واقعی قرآن در آثار خود مطرح نموده است. دقیقاً منطبق با آیات قرآن و کتاب الله و فرامین و رهنمودهای پیامبر و بر طبق سنت و سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام است؛ بنابراین آنچه شبهه نموده‌اند مبنی بر غیرممکن دانستن فهم قرآن از منظر امام خمینی تصویری ناصواب و غیرواقعی است؛ شرایطی که در آثار امام برای درک قرآن شمرده شده است در تفاسیر اهل بیت علیهم السلام و دانشمندان مسلمان و صحابه وجود دارد و نظرات امام برگرفته از این منابع متقن و آیات و روایات است و علاوه بر امام همه دانشمندان و مفسران برای فهم قرآن شرایطی برشمرده‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. بحرانی، سیدهاشم، تفسیر البرهان، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثة تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
۳. حسنلو، امیرعلی، قرآن و معصومان در آینه علوی، قم: مشهور، ۱۳۸۸.
۴. حکیمی، محمدرضا، الحیة، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۵. رضی، سیدشریف، نهج البلاغه، تهران: سپهر، ۱۳۶۵ق.
۶. صدرالدین شیرازی، محمد، الشواهد الربوبیه، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶.
۷. طبرسی، احمد، الإحتجاج، [بی جا]: دارالنعمان، ۱۴۰۳ق.
۸. عیاشی، محمدبن مسعود، التفسیر، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰-۱۳۸۱.
۹. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجة البيضاء، چاپ دوم، قم: دفترانتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ق.
۱۰. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دارالوفا، ۱۴۰۳ق.
۱۳. موسوی سبزواری، سید عبدالأعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه اهل بیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله، تفسیر سوره حمد، تهران: عروج، ۱۳۸۱.
۱۵. ———، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ع)، ۱۳۷۲.
۱۶. ———، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۷۷.
۱۷. ———، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۷۹.

۱۸. _____، آداب الصلوة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰.

۱۹. _____، شرح دعای سحر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.

۲۰. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۳ ق.

